درمکتب امام

فکر اینها را بکنید...

شما فکر این ملت، فکر این زاغه‌نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشاندند، فکر آنها را بکنید. شب وقتی خلوت می‌کنید، فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کردم یا برای مردم. امروز که صحبت می‌کنم برای خودم صحبت می‌کنم یا برای مصالح کشور.

صحیفه امام؛ ج۱۳؛ ص۲۰۰ | جماران؛ ۲۰ شهریور ۱۳۵۹

هجرت از پلیدی‌ها

اصرار قرآن کریم این اســت که جامعه را جامعه فرشتگی کند، از حد متعارف بالا بیاورد. وقتی قصص انبیا را نقل می‌کند، هم برای تبشیر است، هم برای إنذار، ولی وقتی قصص فرشته‌ها را نقل می‌کند، فقط صبغه تبشیر دارد؛ چون در آنجا عصیانی نیست، عذابی نیســت و طوری قصه‌های قرآنی را برای ما ارائه می‌کند که انسان‌های صالح را در کنار فرشته ذکر می‌کند، این یک تقارن لفظی محض نیست، این یک همسانی دو تا کلمه نیست، این یک مجاورت ایمانی است؛ گوشه‌ای از اسرار این مجاورت را وجود مبارک امام سجاد و سایر ائمه (عَلَیْهِمُ السّلام) بیان کردند. ما گاهی یک مقارنت لفظی بین انسان‌ها و فرشته‌ها می‌بینیم که در برخی از موارد هم یک قِرانی بین برخی از افراد و دام می‌بینیم، ما خیال می‌کنیم اینکه با «واو» عطف شــده است، هیچ ارتباطی بین «معطوف و معطوف‌علیه» نیست! اما آن‌که قرآن ناطق است؛ یعنی امام معصوم، از این مقارنت‌ها و عطف‌ها پرده برمی‌دارد.

وجود مبارک امام سجاد(ع) فرمود؛ در فضل علم و معرفت توحیدی همین بس که خدای سبحان، علما را با فرشته یکجا ذکر می‌کند. در اوایل سوره مبارکه «آل‌عمران» چنین این آمده: (شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ وَالْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ)،[۱] استدلال امام سجاد(ع) این است که ذات اَقدَس اله، نام مبارک خود را در آن قلّه مطرح کرد، بعد علما و فرشتگان را در کنار هم ذکر کرد. فرمود عالمان دین و فرشته‌ها شهادت به توحید می‌دهند،[۲] این قران یک اصل کلی و یک کلمه کلیدی است برای بهره‌برداری از قرآن.

جایگاه مومنان صالح

در بخش‌هــای دیگری هم قرآن کریم می‌فرماید خدای ســبحان پیامبر خود را فرستاد؛ اما جبرئیل ملائکه و (صالِحُ الْمُؤْمِنین)،[۳] مؤید پیغمبر هستند، تأیید می‌کنند، تسدید می‌کنند، حمایت می‌کنند. اینکه فرمود: (صالِحُ الْمُؤْمِنین)؛ یعنی مؤمنان صالح و ملائکه، پیغمبر(ص) را تأیید می‌کنند؛ این یک مقارنتی است بین افراد صالح و فرشته‌ها؛ خواه با مسئله جبهه؛ خواه با مسئله حوزه؛ خواه با مسئله دانشگاه؛ خواه با مسئله تولید؛ خواه با مسئله اشتغال، هرکس کاری بکند که نظام اسلامی را تأیید کند، این شخص جزء مؤمنان صالح است، همسایگی با فرشته‌ها مخصوص به علمای توحید نیست. اگر در سوره «آل‌عمران» علمای توحیدی را با ملائکه طبق بیان امام سجاد(ع) یکجا ذکر می‌کند، این کار مخصوص علما و دانشمندان حوزه و دانشگاه نیست، در سطح جامعه هر کسی که اهل صلاح و فلاح بود، هر کاری که داشت با امنیت و امانت انجام داد، این در ردیف فرشته‌ها قرار می‌گیرد. فرمود پیغمبر را ملائکه و مؤمنان صالح یاری می‌کنند؛ البته ائمه (عَلَیْهِمُ‌السّلام) قرآن ناطق هستند، معادل قرآن هستند و طبق بیان لطیف مرحوم کاشــفُ الغطای بزرگ، قرآن از امام بالاتر نیست، اینها همتای هم هستند، اگر قرآن بالاتر از امام معصوم باشد، بخشی از معارف توحیدی و حقایق در قرآن باشد که امام - مَعَاذَاللّه - به آن دسترســی نداشــته باشد؛ این طلیعه إفتراق است، در حالی که حدیث معتبر و مسلســل و متواتر «لَنْ یَفْتَرِقَا»[۴] جلوی این را می‌گیرد؛ البته امام که قرآن ناطق است، بدنش را فدای قرآن می‌کند؛ اما حقیقت امام، روح مطهر امام، همتای قرآن است، این یک اصل اول.

اصل دیگر این است که بخشی از آیات قرآن کریم، منحصراً برای اهل بیت است، برای خاندان عصمت و طهارت است؛ مثل آیه تطهیر، آیه غدیر، آیه مباهله، اما بخش سوم مربوط به آیاتی است که مصداق کاملش ائمه هستند، اگر گفته شد که (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُون)،[۵] بر اهل بیت تطبیق شد؛ یعنی مصداق کامل این آیه، آنها هستند، وگرنه پیروان آنها، شیعیان آنها، شاگردان اینها، هر کدام که به نوبه خود به این آیه عمل کنند، اهل فلاح هستند.

در جریان (صالِحُ الْمُؤْمِنین) بر وجود مبارک حضرت امیر تطبیق شده است؛[۶] اما این مثل جریان غدیر و جریان مباهله و جریان آیه تطهیر و جریان آیه «اَلْیَوْمَ أَکْمَلْت»[۷] نیست که منحصراً برای آن حضرت باشد. مؤمنان صالح می‌توانند یار و یاور پیغمبر باشند، این کم مقامی نیست! آنگاه همانند پیغمبر قدم برمی‌دارند. در قرآن کریم فرمود: اینها قدم صدق دارند؛ یعنی نزد خدا جایگاه ثابتی دارند، شاگردان اینها یعنی شاگردان ائمه، آنها هم قدم صدق دارند. این مقام را خدای ســبحان در قرآن وقف کسی نکرده است، اگر در این جمله که فرمود مؤمنان صالح، مثل ملائکه، یار و یاور پیغمبر هستند، حتماً در معاد، مسئله «شفاعت» هم بهره اینها خواهد شد.

ضرورت هجرت از پلیدی‌ها

مطلب دیگر آن است که راهش چیست؟ این قله را چه کسی می‌تواند فتح کند؟ یک بیان نورانی از وجود مبارک پیغمبر(ص) رسید، این به عنوان تمثیل است نه به عنوان تعیین. آن بیان را وجود مبارک حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه نقل کرد، آن بیان این است که وجود مبارک پیغمبر فرمود، خدای سبحان، یک چشمه شفاف و زلال و آب صافی را در دم منزل همه شما قرار داد که شبانه‌روز، پنج بار در آن چشمه شنا کنید و خود را نظیف کنید و تطهیر کنید و آن نماز پنجگانه است؛ این بیان نورانی را حضرت امیر در نهج البلاغه از وجود مبارک پیغمبر(عَلَیْهِما السّلام) نقل کرده است،[۸] آیا این تمثیل است یا تعیین؟ یعنی در بین عبادات فقط نماز این خصوصیت را دارد، روزه و حج و زکات و امثال آن، این خصیصه را ندارند یا نماز یک چشمه جوشانتری است، چون عمود دین است، سایر عبادات هم چشمه هستند، تطهیر هستند. همه این آیات، دستورات دینی، زیر مجموعه (یُطَهِّرَکُم) است، در مسئله وضو و امثال وضو، ذات أقدس الهی دستور داد خدا می‌خواهد بشر را پاک کند، نه اینکه با یک مختصر وضو، این تمام بدن پاک بشود، گاهی به جای وضو انسان تیمم می‌کند، صورت را خاکمالی می‌کند، این‌طور نیست که منظور، طهارت ظاهری باشــد، بلکه ما را از آن غرور و خودخواهی که غدّه علاج‌ناپذیر است، درمان می‌کند. فرمود این تیمّم و این خاک «أَحَدُ الطَّهُورَیْن»[۹] است، این روایت «لِلتُّراب أَحَدُ الطَّهُورَیْن»[۱۰] هم در دستورات فقهی ماست. اگر کسی وضو گرفتن برای او مشکل باشد، تیمم می‌کند، خاک هم انسان را پاک می‌کند، معلوم می‌شود آنچه را که ما باید از آن پرهیز کنیم، فرمود: (وَ الرُّجْزَ فَاهْجُر)،[۱۱] از پلیدی بپرهیز! این هجرت تا آخر قیامت هســت، ممکن است در یک عصر ما جهاد نداشته باشیم، جهاد بیرونی نداشته باشیم؛ اما جهاد درونی تا قیامت هست، هجرت هم تا قیامت هست، فرمود از هر پلیدی مهاجرت کن! ما انسان‌ها دلمان می‌خواهد پاک باشیم و در وسوسه‌ها پیروز باشیم، این اوایل ممکن است، یک مقداری سخت باشد، بعد یک مقدار که جلو رفتیم به آسانی از گزند وسوسه حفظ می‌شویم، قصص انبیا را که خدا نقل می‌کند، به ما راهکار نشان می‌دهد که این راه رفتنی است؛ منتها آنها جلوتر، شما دنبال. گاهی انسان به جایی می‌رسد که کار برای او آسان می‌شود، گاهی از این فراتر قدم برمی‌دارد به آسانی کار از او صادر می‌شود، خیلی فرق است؛ بین دعای کلیم حق و دعای حبیب حق(عَلَیْهِما السّلام)، درباره موسی خدای سبحان دید دعای کلیم حق این است که (رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْری) تا به آنجا می‌رسد که (وَ یَسِّرْ لِی أَمْری)؛[۱۲] یعنی کار مرا برای من آسان کن! این خواسته کلیم حق است. در قبال خواسته‌های دیگر ذات أقدس الهی فرمود: (قَدْ أُوتِیتَ سُؤْلَکَ یا مُوسی)،[۱۳] به همه خواسته‌هایت رسیدی، ما اجابت کردیم، این برای کلیم حق؛ اما درباره حبیب حق، فرمود: (وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْری)،[۱۴] ما آنقدر عظمت به تو دادیم که کارها از تو به آسانی صادر می‌شود، نه کار را برای تو آسان کردیم، فرمود ما تو را مصدر امور قرار دادیم که به آسانی کار از تو صادر می‌شود، آن مقام کجا، این مقام کجا؟! ولی به هر حال راه باز است. ما می‌خواهیم خیرات به آسانی به ما برسد، اگر حوزوی هستیم به آسانی به مقام اجتهاد برسیم، اگر دانشگاهی هستیم به آسانی به مقام استادی برسیم، این راه شدنی است، شوق ایجاد می‌کند، استعداد عطا می‌کند، موانع را بر طرف می‌کند، طولی نمی‌کشد که این در حوزه می‌شود مجتهد، آن در دانشگاه می‌شود استاد، هر کسی در هر سمت و سویی هم که باشد، این راه برای او باز است.

بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی (دام‌ظله) در جلسه درس اخلاق در دیدار با جمعی از دانشجویان ، طلاب و پرسنل نیروی انتظامی، قم؛ ۱۳۹۵/۱۱/۷

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

[۱]- آل‌عمران، ۱۸. [۲]- بحار الأنوار(ط - بیروت)، ج۱، ص۱۸۰. [۳]- تحریم، ۴. [۴]- وسائل‌الشیعه، ج۲۷، ص۳۴. [۵]- مؤمنون، ۱. [۶]- بحارالأنوار(ط ـ بیروت)، ج۱، ص۱۸۰. [۷]- مائده، ۳. [۸]- نهج‌البلاغه صبحی صالح، خ۱۹۹. [۹]- الکافی(ط - الإسلامیه)، ج۳، ص۶۴. [۱۰]- تهذیب الأحکام، ج۱، ص۱۹۷. [۱۱]- مدثر، ۵. [۱۲]- طه، ۲۵ و ۲۶. [۱۳]- طه، ۳۶. [۱۴]- أعلی، ۸.

خوان حکمت روزهای یک‌شنبه منتشر می‌شود.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

ملت انقلابی حماسه آفرید پادوهای آمریکا آدرس غلط ندهند

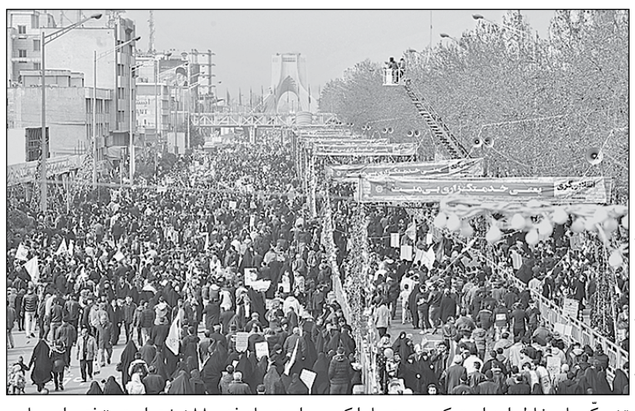

عکس: محمد علی شیخ‌زاده

سرویس سیاسی-

ملت انقلابی ایــران در روز جمعه و در ســالگرد انقلاب اسلامی در لبیک به ندای رهبر انقلاب برای پاسخگویی به تهدیدات اخیر آمریکا حماسه‌ای دیگر را رقم زدند، حماســه‌ای که از روح استکبارستیزی و ذلت‌ســتیزی این ملت نشات می‌گیرد لذا پادوهای آمریکا بــرای تحلیل این رخداد عظیم آدرس غلط ندهند!

«درحالی که دونالد ترامپ وارد جنگ لفظی با ایران شده است، شرکت‌کنندگان در راهپیمایی تهران مانند همیشه شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل ســر دادند.» اینها جمــلات خبرنگار خبرگزاری آمریکایی آسوشــیتدپرس از تهــران و در هنگام گزارش پیرامون راهپیمایی ۲۲ بهمن بود. نه تنها این خبرگزاری بلکه بسیاری از خبرگزاری‌های دنیا با چنین جملاتی این حماسه را پوشش دادند.

جملاتی که خبرنگار آسوشیتدپرس در مورد راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن عنوان کرده خواننده را به یاد سخنان رهبر معظم انقلاب در ۱۹بهمن (یعنی چند روز پیش از این راهپیمایی) می‌اندازد. فرمانده کل قوا در دیــدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایــی ارتش جمهوری اســلامی ایران فرمودند: «این[ترامپ] میگوید از او [اوباما] تشکّر کنید، از من هم بترسید! نه از شما هم نمی‌ترسیم. روز بیست‌ودوّم بهمن، مردم جواب این تهدیدها و این حرفها را در خیابان خواهند داد؛ نشان می‌دهند که ملّت ایران در مقابل تهدید چه موضعی میگیرد. نخیر، از تهدید کسی هم ما نمی‌ترسیم.»

لبیک به رهبری؛ پاسخ به تهدیدها

راهپیمایی به یاد ماندنی ۲۲ بهمن امســال، ویژگی‌هایی داشــت که باعث شد حضور باشکوه مردم جلوه‌ای دیگر از امتداد انقلاب اسلامی را در ۳۸ ســالگی آن به نمایش بگذارد. نظام سلطه در طول نزدیک به ۴ دهه گذشته همه انواع تقابل‌ها را در دشمنی با انقلاب اسلامی ایران به کار برده اســت. از تحریم و تهدید تا حمله نظامی، تهاجم فرهنگی، مبــارزه اقتصادی، کودتای رنگی و این اواخر سیاســت هویج و چماق و مشت چدنی در دستکش مخملی اما در فاصله اندکی پس از روی کار آمدن رئیس جمهور آمریکا که دیوانه وار مشت به دیوار می‌کوبد و با تمام عصبانیت به تهدید ایران می‌پردازد ده‌ها میلیون نفر از مردم ایران در این روز بــه خیابان‌ها آمدند تا نشــان دهند بیمی از تهدیدهای پوشالین کلیددار تازه به دوران رسیده کاخ سفید ندارند.

ترامپ چهره بدون روتوش آمریکاســت و در چنین حالتی حضور میلیونی مردم ایران در برابر جلوه تمام عیار شــیطان بزرگ بود. رهبر معظم انقلاب درباره این نمود عریان و واقعی آمریکا که در رئیس جمهور جدید این کشور جلوه کرده است فرمودند: «ما از این آقایی که تازه آمده، متشکّریم؛ تشــکّر ما به‌خاطر این است که زحمت ما را کم کرد و چهره واقعی آمریکا را نشان داد. کاری که ما در طول سی و چند سال [درباره] فساد سیاسی، فساد اقتصادی، فساد اخلاقی، فساد اجتماعی در دستگاه حاکمه آمریکا دائم میگفتیم، این آقا آمد در دوره انتخابات و بعد از انتخابات، این را علنی و عریان کرد. الان هم با این کارهایی که دارد میکند، نشان میدهد که حقیقت آمریکا چیست، حقوق بشر آمریکایی یعنی چه؛ بچّه پنج‌ساله را دستبند می‌زنند! حقوق بشر اینها این است.»

تحلیل «روسیا الیوم»

حضور گســترده و حماســی مردم ایران در ۳۸ سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران لبیکی دوباره به رهبر انقلاب بود و پیامی قاطع و کوبنده به تهدیدهای دشمنان ایران خاصه آمریکا داشت. امــا در این میان مصــادره به مطلوب این حضور برای مقاصد سیاســی و حزبــی و همچنین ارائه خوانش‌هایی در همین راســتا از حضور گسترده مردم در برخی رسانه‌ها دیده می‌شد.

اما در مقابل پایگاه خبری «روسیا الیوم» نوشته است: «سه دلیل اساسی برای تهدید مکرر ایران توسط ترامپ وجود دارد:

۱) آمریــکا بعد از ۳۸ ســال از عمر انقلاب ایران نتوانست این کشور را تسلیم سیاست‌های واشنگتن کند.

۲) ایران آخرین منبع بزرگ نفت در خاورمیانه است که آمریکا تاکنون نتوانسته نقشه‌های خود را روی این منبع بزرگ اجرا کند.

۳) ایــران تمدن و هویت ذاتی دارد و به هیچ کشور دیگری وابسته نیست و آمریکا تلاش می‌کند وابستگی این کشور را به قبل از انقلاب برگرداند.»

منفعل‌های بی‌خاصیت!

امــا در مقابــل تهدیدهای هــر روزه آمریکا نگاهی منفعل و بی‌خاصیــت نیز وجود دارد که در تلاش اســت تا با ژست شبه روشنفکرانه خود را در چارچوب انقلاب بنمایاند. در حالی که اصل برائت از مشرکین در اسلام آموزه‌ای قرآنی است چگونه می‌توان به این نگاه و شیوه تن داد؟ یکی از متهمان فتنه ۸۸ نوشته است: «رفتم راهپیمایی. نه مشــتی به دهان کسی زدم ونه مرگ بر کسی گفتم و نه پرچمی آتش زدم و نه از روی پرچمی رد شــدم. خیلی با افتخار رفتم تا از انقلاب مردم و سربلندی و همبستگی ملت ایران دفاع کنم»!

چگونه می‌توان بدون اعلان انزجار از کســی که تمام توانش را در جنگ و دشمنی و ستیزه با انقلاب ایران به کار بسته و در این راه از هیچ اقدامی فرو گذار نکرده، از انقلاب دفاع کرد؟ دشمنی که از انهدام هواپیمای مسافربری تا حمایت تسلیحاتی از صدام و دیگر دشمنان ملت ایران و اعمال انواع و اقسام تحریم‌ها علیه ملت ایران و انقلابشان به کار گرفته است. این جماعت حتی در مقابل این دشمن آشکار و تهدیدهای هر روزه اش حاضر به اعلام انزجار و برائت خود نیستند پس چگونه دم از انقلاب و حمایت از ایرانیان می‌زنند؟

گرا دادن به دشمنان برای تحریم ایران

مگــر نه اینکه عــده‌ای از همین جماعت به دشمن برای تحریم ایران گرا می‌دادند، حالا دفاع از ملت ایران و گرا دادن به دشــمن برای تحریم اقتصادی و تشــدید فشــار بر این ملت مظلوم را چگونه می‌توان یک جا جمع کرد؟

اخیرا نیز یکی از سران فتنه ۸۸ مدعی آشتی ملی شده است! اولین سوال این است که مگر ملت در حالت جنگ یا قهرند که کسی بخواهد آنها را آشــتی بدهد؟ همه ملت با سلیقه‌های مختلف، روز جمعه در جشن پیروزی انقلاب اسلامی پای کار آمدند و یک صدا بر انقلابی بودن خود تاکید کردند. دست بر قضا ۷ سال پیش، جماعت وطن فروشی پیدا شدند که دروغ تقلب در انتخابات (آن هــم به میزان ۱۱ میلیون رای!) را تکرار کردند و براساس آن آشوبی را تدارک کردند که شعار آن تدریجا روشن شد؛ انتخاباتی که بهانه است و اصل نظامی که نشانه گرفته شده بود.

آشتی ملی!

همین فرد مذکور (از ســران فتنه ۸۸) اخیرا ضمــن بزرگ‌نمایی از تهدیدهــای آمریکا آن را بهترین فرصت برای آشتی ملی عنوان کرده است. عبارات به ظاهر زیبای «آشتی ملی» و «همبستگی در برابر تهدید دشمنان» این روزها به کلید واژه کســانی تبدیل شده است که بسیاری از آنان در جریان انتخابات ۸۸ در کنار دشمنان قسم خورده این ملت و انقلاب ایستاده و با آنان هم نوا شدند. کار به آنجا کشید که شبکه‌های رسانه‌ای دشمنان هــر روز به تمجید و تعریف از اقدامات و بیانیه‌ها و آشوب‌آفرینی‌های آنان می‌پرداختند و در آتش فتنه و آشوب می‌دمیدند.

آنچــه این جماعت در ســال ۸۸ رقم زدند بهترین فرصــت را از زمان انقــلاب در اختیار دشــمنان انقلاب، خاصــه آمریکا قــرار داد تا با ارجــاع به آشــوب‌های فتنه‌گــران در ایران ســنگین‌ترین تحریم‌ها را علیه مردم ایران رقم بزنند. آشوب‌آفرینی در آن سال در حالی با بهانه تقلب در انتخابات رخ می‌داد که همین فرد چند بار در پســتوها اذعان کرده کــه تقلب واقعیت ندارد اما اگر این حقیقت را علنی بگوید، حمایت کنندگان از دور او پراکنده می‌شوند!

اما آنهایی که در آتش فتنه دستی داشته‌اند بــه جای لاف آشــتی ملی، بایــد صریح بگویند که چگونه در آشــوب مبتنی بر اســم رمز تقلب نقش‌آفرینی کردند. حال آن که یکی از متهمان فتنه ۸۸ و مدعیان آشــتی امروز، بعد از آن دوره به رفقایش گفت؛ «برای بنده که تجربه انتخابات را دارم می‌دانم که تقلب نشده. ممکن است یکی دو میلیون عقب جلو شــده باشــد ولی ما نتیجه انتخابات را باخته‌ایم. حالا به جای ۲۵ میلیون و ۱۴ میلیون، شده باشد ۲۴ میلیون و ۱۵ میلیون مثلاً ما انتخابات را باختیم.»

او و هم‌قطارانش متهم ردیف اول خیانت و وطن‌فروشــی هستند و بنابراین، نقاب «صلح و آشــتی»، بر قیافه و سوابقشان زار می‌زند. آنها دســت کم باید با صدای بلنــد از مردم و نظام عذرخواهی کنند و پیش از اعتراف و اقرار صریح به گنــاه خیانت و مردم فریبی چگونه می‌توان ادعای امروزشــان را مبنی بر آشتی به حساب صداقت گذاشت؟!

سردرگمی و استیصال

طرح ادعایی «آشــتی ملی» ایــن روزها در حالی از ســوی جناحی خاص عنوان می‌شود که به عقیده برخی از صاحب نظران سیاســی بعد از فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درگیر سردرگمی و استیصال شده‌اند.

از سویی دیگر ناکامی در برجام و تردیدهایی که در مورد وضعیت حســن روحانی و حمایت از او بــه عنوان کاندیدای این جناح در انتخابات آینده نیز در این امر ســهیم اســت. ضمن آنکه نباید حساب اشــتباهی که روی آمریکا از سوی این جناح باز شده بود و غلط از کار در آمدن آن را از نظر دور داشت.

ولایتی در گفت‌وگو با لوموند و فرانس ۲۴:

تهدیدات ترامپ تاثیری ندارد آزمایش‌های موشکی ایران ادامه خواهد داشت

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشــخیص با اشاره به این که تهدیدات رئیس‌جمهور آمریکا تاثیری ندارد گفت: آزمایش‌های موشکی ایران ادامه خواهد داشت.

بــه گزارش فارس، علــی اکبر ولایتی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشــخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با روزنامه لوموند و شــبکه فرانس ۲۴ اظهار داشت: تهدیدات رئیس‌جمهور جدید آمریکا بر ما تاثیری ندارد.

وی افزود: از ابتدای انقلاب اســلامی تمامی رؤسای‌جمهور آمریکا رویکرد منفی در قبال ایران داشتند.

ولایتی در مــورد اینکه آیا همزمان با تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران پس از ممنوعیت سفر اتباع ایرانی به آمریکا و تلاش برای وارد کردن نام سپاه پاسداران انقلاب اســلامی به فهرست سازمان های تروریســتی، ایران وارد مرحله جدیدی از رویارویی با آمریکا شــده است، گفت: ما به این تهدیدات عــادت کرده‌ایم و به آن اهمیت نمی‌دهیم.

ولایتی در پاسخ به این پرسش خبرنگار فرانس ۲۴ که آزمایش موشــکی ایران از دیدگاه آمریکا نوعی اقــدام تحریک‌آمیز بود. آیا آزمایــش جدیدی صورت خواهد گرفت؟ اگر پاسخ مثبت است این آزمایش چه زمانی و با چه هدفی خواهد بود، گفت: هدف ایــن آزمایش‌ها تقویت توان دفاعی ایران است.

وزیر اســبق امور خارجه ایران تاکید کرد: ما نمی‌خواهیــم تلاش برای تقویت توان خود را با تهدیــدات ترامپ متوقف کنیم. آزمایشات موشکی طبق پیش‌بینی‌ها ادامــه خواهد یافت. شــاید در مورد آنها اطلاع‌رسانی کنیم و شاید هم‌چنین کاری نکنیم. ما باید خودمان از خود دفاع کنیم و برای این کار از ترامپ و هیچ کس دیگر اجازه نمی‌گیریم.

سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر - بخش پایانی

سینمایی ناامید درجشنواره سوپر دولتی با داورانی ماقبل تاریخ!

سعید مستغاثی

نقل است که سالها پیش در یکی از مراسم سینمایی فرانسه وقتی یک مقام دســت چندم دولتی آن کشور به عنوان مهمان دعوت شده بود، لوییس بونوئل (فیلمساز معروف فرانسوی) که در آن مراسم حضور داشت و قرار بود مورد تجلیل هم قرار گیرد، مراسم یاد شده را ترک کرد و بعدا علت این عمل را توهین به سینما و سینماگر نامید. این روایت، ســالیان دراز مورد استفاده جماعت سینمایی داخل خصوصا از جنس شبه روشنفکرشان بود و همواره نسبت به مراسم سینمایی که شخصیتی دولتی در آن حضور داشت، ابراز نارضایتی می‌کردند. با این حال حضور مقامات دولتی در جشنواره فیلم فجر به دلیل اساس دولتی آن، نهایتا تا حد یک وزیر ارشاد و معاون سینمایی ایشان، پذیرفته شده بود.

اما آنچه روز پنجشنبه در مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر اتفاق افتاد مانند سایر رویدادهای ریز و درشت این جشنواره یک رکورد محســوب می‌شود. حضور دستیار ارشد و یک معاون رئیس جمهوری، به علاوه ۳ وزیر و مقادیر معتنابهی معاون و مشــاور و مدیر دولتی باعث شد تا جشنواره سی و پنجم رکورد حضور مقامات دولتی (اکثرا بی‌ربط با سینما) را در یک مراسم سینمایی به ثبت برساند.

حالا وقتی وزیر امور خارجه نام برنده بهترین فیلم را قرائت کرد و عوامل فیلم یاد شده جایزه خود را از دست رئیس سازمان حفاظت محیط زیســت و وزیر کار و امور اجتماعی و دستیار ارشد رئیس جمهوری در مذاکرات هسته‌ای دریافت کردند، دیگر رکورد یاد شده دو قبضه شد و توانســت چند رکورد دیگر از جمله «اهدای جایزه از سوی بی‌ربط‌ترین جایــزه دهندگان» را نیز به خــود اختصاص دهد! خصوصا که در فیلم یاد شــده هیچ نشانی از سیاست خارجی با محیط زیست و ایضا کار و امــور مربوطه و حتی بیمه تامین اجتماعی هم به چشــم نمی‌خورد!! طرفه آنکه در بین وزرای یاد شده دیگر خبری از وزیر ارشاد (که به هر حال می‌توانست به سینما و جایزه اش اندکی ربط پیدا کند) نیز نبود!!!

این در حالی بود که در مقابل حضور تعداد قابل توجهی از مقامات دولتی، بســیاری از مدعوین ســینمایی و عوامل فیلم‌های جشنواره از جمله نامزدان و حتی برخی برندگان جوایز در ســالن حضور نداشته و صندلی آنها خالی ماند.

همه این پررنگ شدن صبغه دولتی جشنواره فیلم فجر در دوره‌ای اتفــاق افتاد که برخلاف آنچه از ابتدای دولت یازدهم تحت عنوان امید در ســینما اعلام شــد و حتی جایزه‌ای هم برای آن تدارک دیده شده بود، خیل فیلم‌های تلخ و سیاه و مایوس‌کننده (که رکورد دیگری برای جشــنواره سی و پنجم به حســاب می‌آید)، این جشنواره را تقریبا به ماتمکده‌ای بدل ســاخت که هر آدم شاد و امیدوار را هم می‌توانست از دنیا و مافیها ناامید و سرخورده بکند.

در واقع می‌توان گفت به تعبیر روانشناســانه در طول ۱۰-۱۱ روز، این جشــنواره مانند یک «کریدور» شــوک عمل کرد. (توضیح آنکه «کریدور شوک» در برنامه درمانی امروز غرب، در برخی تیمارستان‌ها به جای سیستم‌های شوک الکتریکی و قرص‌های روان درمان، در طول یک راهروی طولانی و توسط امواج رادیویی و الکترومانیتیک برای تحت تاثیر قرار دادن بیماران انجام می‌گیرد).

آثاری با شــخصیت‌هایی فلــک زده و درب و داغان که یا در حال خودکشــی بودند یا دیگران را به قتل رســانده و یا به خودکشــی وا می‌داشــتند، خانواده‌های از هم پاشــیده یا در حال فروپاشــی، روابط ارتقاء یافته نامشــروع که به تعبیر دیگر از مرز خیانت گذر کرده بود و به عرصه‌های فراخیانت رسیده بود! حوادثی که بچه‌ها و افراد بی‌گناه را در خود می‌بلعید و ... در کنار خیل زنان و مردانی که در موقعیت‌های نامناسب دست و پا می‌زدند و ضجه و مویه‌های سرسام آور و لحظات طولانی و زجرکش‌کننده (که ناشــی از عدم درک جماعت به اصطلاح فیلمســاز از موضوع ســاده‌ای به نام ریتم بود) مجموعه‌ای بود که در قالب تصاویر متحرکی به نام فیلم و ســینما به خورد تماشاگر بینوای جشنواره‌ای داده شد و حالا می‌توان خدا را صدهزار مرتبه شاکر بود که این سینما در بحران همیشگی خودش یعنی گریز مخاطب غرق است و به رغم همه سر و صداها و آمارهای نجومی و تشویق‌های فرمایشی، اما با یک حساب سرانگشتی از همان آمارهای حضرات می‌توان دریافت که بیشــتر از ۳-۴ درصد مردم ما، مخاطب فیلم‌های یاد شده نبوده و به همین دلیل بحمدالله از عوارض نامطلوب «کریدور شوک» یاد شده دور خواهند ماند!

اما رکورد بعدی این جشنواره را می‌توان در مورد بی‌ربط بودن انتخاب هیئت داوران، داوری آنها و جوایزشان دانست که در هیچ دوره‌ای تا این حد غیرتخصصی و پرت انجام نشده است. این توضیح لازم است معمولا در جشــنواره‌هایی که الگوی جشنواره فیلم فجر قرار گرفته‌اند، هیئت داوران هر دوره از میان برندگان دوره قبل و سینماگرانی که آثار اخیر آنها مهم و قابل تامل بوده، برگزیده می‌شوند. اما هیئت داوران جشنواره سی و پنجم فیلم فجر اغلب از داورانی بود که حداقل در چند سال اخیر (بعضا در ۷-۸ سال گذشته) اصلا اثری سینمایی در کارنامه خود نداشته اند! چه برسد به اینکه اثر مطرح و مهمی به نامشان ثبت شده باشد!!

اگرچه بطور کلی نحوه و طرح داوری در جشنواره فیلم فجر (با ۵ یا ۷ داور برای قضاوت در مورد ۲۰ رشته تخصصی) اساسا یک نوع داوری غیراستاندارد و عقب افتاده به شمار می‌رود اما این داوری در جشنواره سی و پنجم برای اولین بار قضاوت‌های ساده لوحانه، غیرکارشناسانه و بعضا بامزه و مضحکه آمیزی ارائه داد که می‌تواند یکی دیگر از رکوردهای جشنواره سی و پنجم محسوب شود. از کاندیدا کردن موسیقی فیلمی که اساسا موسیقی متن نداشت تا نامزدی بدل کاری به عنوان جلوه‌های ویژه میدانی فیلمی که وی در آن فیلم اصلا حضور نداشت یا اساسا جلوه‌های ویژه فیلم یاد شده در حد چند دانه برف یا چند قطره باران بود تا ... تا نادیده گرفتن عمدی فیلم‌هایی که موضوع آنها مغایر منافع کانون‌های سلطه جهانی به نظر آمده و انتخاب شان احتمالا به قسم نامه تابعیت خارجی برخی از داوران یاد شــده لطمه وارد می‌کرد! از همه اینها که بگذریم باید از برخی جوایز شگفت آفرین و حیرت‌آور این هیئت داوران نیز یاد کرد و چند ســوال از این حضرات پرسید که امیدواریم با سواد فوق تخصصی! خود بدان پاسخ دهند:

۱- چگونه می‌شود به فیلم «ماجرای نیمروز» که نه جایزه کارگردانی را برده و نه برای رشته‌های اصلی مانند بهترین فیلمنامه و فیلمبرداری و تدوین (پارامترهــای اصلی و محوری یک فیلم برتر)،حتی نامزد هم نبــوده ناگهان جایزه بهترین فیلم تعلق گیرد؟! مگر چه عواملی به جز کارگردانی و فیلمنامه و فیلمبرداری و تدوین و ... وجود دارد که فیلمی را به سطح بهترین فیلم جشنواره می‌رساند؟!

۲-چگونه می‌شــود فیلم «ماجرای نیمروز» که فیلمنامه اش حتی درمیان نامزدهای این رشته هم قرار نداشته، بهترین فیلم از نگاه ملی (که قاعدتا بایستی موضوع و فیلمنامه آن ملاک قرار گیرد) لقب گیرد؟! یعنی سایر فیلم‌های کاندیداشــده برای بهترین فیلمنامه، هیچ نکته ملی نداشتند و یا با موضوعاتی غیرملی یا ضد ملی نامزد سیمرغ بلورین شــدند؟! قطعا در اینجا پرداخت موضوع ورای خود ســوژه نیز ملاک است و با یک پرداخت و نوشتار ضعیف و غیرقابل قبول، هیچ موضوعی نمی‌توانــد به عنوان یک فیلم، مدنظر قرار گیــرد. وگرنه برفرض آنکه پرداخت فیلمنامه «ماجرای نیمروز» آنچنان ضعیف بوده تا آن حد که حتی در میان نامزدهای بهترین فیلمنامه نیز قرار نگیرد، چگونه علیرغم برگزیده نشــدن کارگردانی‌اش، توانست به عنوان بهترین فیلم از سوی هیئت داوران انتخاب شود؟!

۳-چگونه می‌شود فیلم «فِراری» که جایزه بهترین فیلمنامه را (لابد به خاطر موضوع مهم و پرداخت درست) گرفت و همچنین کارگردانش جایــزه ویژه هیئت داوران را (لابد به دلیل کارگردانی برترش) دریافت کرد، یعنی هر دو عامل اصلی بهترین فیلم را دارا بود، نه به ســیمرغ بلورین بهترین فیلم دست پیدا کرد و نه جایزه ملی را کسب نمود؟

همه این سوالات در حالی است که نگارنده، فیلم «ماجرای نیمروز» را یکی از معدود آثار قابل قبول جشنواره امسال دانسته و طرح پرسش‌های فوق، تنها می‌تواند با یک سوال دیگر پاسخی منطقی داشته باشد:

چــرا فیلمی که ۳ جایزه اصلــی بهترین فیلم، نگاه ملی و برگزیده تماشاگران را دریافت کرد، عنوان بهترین کارگردانی را کسب نکرد و در رشته‌های اصلی و تعیین‌کننده مانند فیلمنامه و فیلمبرداری و تدوین و ... حتی کاندیدا هم نشد؟!

**نگاهی به دیروزنامه‌های زن